



سَلْوَة الشَّيْعة دیگر و تاج الأشعار دیگر است!

جویا جهانبخش

در شماری از مقالات و تحقیقات راجع به اشعار منسوب به امیر مؤمنان علی^(ع)، وقتی از کهن‌ترین تدوین موجود این سروده‌ها، یعنی سَلْوَة الشَّيْعة که ابوالحسن علی بن احمد قنجرودی نیشابوری (ف: ۵۱۳ ق) فراهم آورده است، یاد می‌شود، نام دیگر آن را تاج الأشعار می‌گویند.

سبب این تلقی، علی‌الظاهر، خوانشی نادرست از گزارشی است که ابن شهر آشوب (ف: ۵۸۸ ق) در معالم العلماء درباره قنجرودی به دست داده. می‌نویسد: «علی بن احمد الفنجکردی الأديب النيسابوري، له كتاب تاج الأشعار، سلوة الشَّيْعة و هي أشعار أمير المؤمنين عليه السلام» (ط. نجف، ص ۷۱). علامه شیخ آقابزرگ طهرانی گویا از سخن ابن شهر آشوب چنین برداشت کرده است که تاج الأشعار و سَلْوَة الشَّيْعة نامهای یک اثرند (نگر: الذريعة...، ۴۳۲/۲، و: ۹/ بخش ۱/ ۱۰۱، و: ۹/ قسم ۸۴۹/۳، و: ۲۲۳/۱۲).

بر خلاف مرحوم شیخ آقابزرگ، زنده‌یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه، این دو را نامهای دو کتاب یافته (نگر: فهرست کتابخانه سپهسالار، ۱۱۶/۵) و همین درست است؛ زیرا که خوارزمی (موفق بن احمد/ ح ۴۸۴-۵۶۸ ق) در مقتل مشهور خویش (نگر: مقتل الحسين عليه السلام، افست مکتبه المفید، ۱۲۸/۲) نام تاج الأشعار را تاج الأشعار فی النبی المختار و آلہ الأطهار^(ع) می‌گوید، و همین به روشنی نشان می‌دهد که موضوع تاج الأشعار، جز موضوع سَلْوَة الشَّيْعة است.

به سبب مرجعیت بلامنازع کتاب ذریعه در عرصه کتابشناسی متون شیعی (و نیز، أحياناً: مُتَشَيِّعانه)، تلقی مسطور در آن به نوشتارهای شماری از دانشوران سپسین راه یافته است؛^۱ و چه تفتن دانش‌پژوه، و چه گزارش

خوارزمی در مقتل، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نگارنده این سطور که خود در آغاز مطالعه در این باب، مانند دیگر مستفیدان خوان پر نعمت صاحب ذریعه، تاج الأشعار را نام دیگر سَلْوَة الشَّيْعة می‌پنداشت و پس از تنبه به نادرستی این تلقی، به تکرار ناهمانی سَلْوَة الشَّيْعة و تاج الأشعار را به قلم آورد (از: آینه پژوهش، ش ۶۶، ص ۱۴۱؛ تا: سَلْوَة الشَّيْعة، تهران: کتابخانه مجلس، ص ۵۴ و ۵۵) و گمان می‌کرد — به‌ویژه پس از نشر متن مصحح انتقادی سَلْوَة الشَّيْعة (تهران: ۱۳۸۴ ش) که این معنا در پیشگفتار آن بشرح بازگو گردیده است — شاهد التفاتی درخور به ناهمانی سَلْوَة الشَّيْعة و تاج الأشعار باشد اینک چون با کمال تعجب دیده می‌شود که از سویی، در برخی از تخصصی‌ترین منشورات این زمینه، مانند فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه (علی صدرایی خویی و...، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش، ۵/۳، و: ۱۵۷/۴)، خلط سَلْوَة الشَّيْعة و تاج الأشعار تکرار گردیده و دست کم توضیحات مرحوم دانش‌پژوه یا آنچه — به سال ۱۳۷۹ ش در آینه پژوهش (پیشگفته) یا به سال ۱۳۸۰ ش در گنجینه بهارستان (علوم قرآنی و روایی)، به کوشش سیدمهدی جهرمی، ص ۳۴۷ — به همین قلم به چاپ رسیده است نیز دیده نشده، و از دیگر سو، حتی در پاره‌ای از تازه‌ترین پژوهشها، مانند میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری (سیدحسین مدرس طباطبایی، ترجمه قرایی-جعفریان، ویراست دوم، قم: مورخ، ۱۳۸۶ ش، ۴۰/۱، هامش)، به کلی از چاپ مصحح و انتقادی سَلْوَة الشَّيْعة غفلت شده است و احتمالاً این متن را ندیده‌اند، سزاوار دیده شد لااقل ناهمانی سَلْوَة الشَّيْعة و تاج الأشعار بار دیگر مورد تصریح و تأکید واقع گردد تا از این پس آگاهیهای کتابشناختی سَلْوَة الشَّيْعة به تاج الأشعار نسبت داده نشود و نمونه را، انسان که در فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و... رخ داده است. از سَلْوَة الشَّيْعة به تاج الأشعار ارجاع ندهند!^۱

۱. از همین رهگذر، نمونه را در مقاله ممتع «نهج البلاغه عبر القرون» به قلم علامه فقید سید عبدالعزیز طباطبایی هم می‌خوانیم: «... الفنجکردی النيسابوري... جَمَعَ ديوان أمير المؤمنين عليه السلام و سَمَّاه باسمين: تاج الأشعار و سلوة الشَّيْعة...» (تُرَاثُنا ج ۳۹، ص ۳۰۷).
۲. بماند که در فهرستگان... که به اقتضای موضوع و ساختار، وظیفه ابتدایی خود را «اطلاع‌رسانی» هرچه جامع‌تر و شامل‌تر قرار داده است، حتی چاپ تحریر نخست تصحیح سَلْوَة الشَّيْعة در گنجینه بهارستان (تهران: ۱۳۸۰ ش) مغفول واقع گردیده است.

